

بررسی ساختار و توزیع قدرت در میان نهادهای مسئول در برنامه پنجم توسعه با استفاده از رویکرد تحلیل شبکه‌های اجتماعی

حنانه محمدی کنگرانی

دانشیار سیاستگذاری منابع طبیعی دانشگاه هرمزگان

مهناز حسین زاده^۱

استادیار گروه مدیریت صنعتی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۲ - تاریخ تصویب: ۹۵/۱۱/۲۹)

چکیده

قدرت از اجزای اساسی و عملی هر نظام است و توزیع قدرت در جامعه سیاسی تعیین می‌کند که تضادها کجاست و چگونه باید رفع شود. لازمه برقراری ساختار شبکه‌ای در یک نظام، توزیع یکنواخت قدرت در میان نهادهای درگیر در آن است. در این پژوهش با استفاده از رویکرد تحلیل شبکه‌های اجتماعی، به بررسی چگونگی توزیع قدرت در میان سازمان‌های درگیر در بخش اقتصادی برنامه پنجم توسعه پرداخته شده تا بدین ترتیب برقراری یا عدم برقراری نگاه شبکه‌ای در تدوین این برنامه مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور و برای تولید داده‌های اولیه، متن فصل پنجم قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی که مرتبط با موضوعات اقتصادی است، مورد بررسی قرار گرفت و مواد قانونی این فصل که تحت ۲۲ موضوع طبقه‌بندی شده‌اند و سازمان‌های درگیر در هر یک از این موضوعات وارد ماتریسی دو وجهی شدند که سطرهای آن، سازمان‌ها و نهادهای مکلف شده و ستون‌های آن، موضوعات قرار گرفتند و بدین ترتیب توزیع شبکه‌ای قدرت در میان این سازمان‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحلیل‌های صورت گرفته، در بخش آخر ارائه شده‌اند.

واژگان کلیدی: برنامه پنجم توسعه، توزیع قدرت، رهیافت شبکه‌ای در اجرای سیاست، رویکرد

تحلیل شبکه‌های اجتماعی (SNA)

مقدمه

قدرت از اجزای اساسی و عملی هر نظام است. شناخت روشن یک نظام نیاز به تجزیه و تحلیل فراگیر و همه جانبه قدرت در آن دارد، به گونه‌ای که نمایانگر سیمای اصلی آن باشد (هیکس و گولت، ۱۳۷۶). در واقع هدف علم سیاست این است که تعیین کند قدرت چقدر و بر کدام پایه توزیع شده است و دارندگان آن چه کسان و کدام نهادها هستند. به دیگر سخن، توزیع قدرت در جامعه سیاسی تعیین می‌کند که تضادها کجاست و چگونه باید حل و رفع شوند و آیا این رفع شدن را همه‌ی طرف‌ها باید به طور مؤثر رعایت کنند یا برخی از طرف‌ها (بتز و استودر، ۲۰۰۴).

قدرت اغلب از موقعیت یک نهاد ناشی می‌شود که به آن قدرت نهادی، سنتی، اداری یا رسمی و قانونی نیز می‌گویند. "از سوی دیگر توزیع قدرت، روش توزیع منابع و امکانات را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد که مهم‌ترین تأثیر آن، نقش قابل توجه قدرت در تنظیم اهداف نهادها و چگونگی عملیات نظام سیاسی - اقتصادی است" (هیکس و گولت، ۱۳۷۶). تاکنون اجرای سیاست‌ها تحت تاثیر دو گرایش عمده تئوریک بوده است که معمولاً پژوهشگران را در این دو گرایش عمده نظری "بالا به پایین" و "پایین به بالا" تقسیم‌بندی کرده‌اند. در رویکرد نخست، دولت در اجرای سیاست‌های عمومی نقش اصلی را به عهده دارد و رویکرد دوم بر نقش کارکنان رده پایین و ماهیت غیر سلسله مراتبی اجرای سیاست‌های عمومی تأکید دارد. اما در دهه هشتاد قرن بیستم جریانی در اجراپژوهی پدید آمد که خود را نسل سوم مدل‌های اجرا یعنی رویکرد شبکه‌ای می‌نامید. این رهیافت در پی ترکیب عناصری از رهیافت‌های بالا به پایین و پایین به بالا بوده است. در چنین چشم اندازی نقش دولت در اجرای سیاست‌های عمومی هر چه بیشتر کاهش می‌یابد و ارایه خدمات عمومی از مسئولیت‌های دولت خارج و به عرصه عمومی و اختیارات عمومی سپرده می‌شود. طرفداران رهیافت شبکه‌ای معتقدند که هر دو نگاه از بالا به پایین و پایین به بالا با تمرکزی که بر بازیگران و سازمان‌ها داشته‌اند، نسبت به نگاه سیستمی و کل‌گرایانه به چارچوب سیستم‌های ارایه خدمات بی‌توجهی کرده‌اند (سالمون و لوند، ۱۹۸۹؛ آنتون، ۱۹۸۹؛ کتل، ۱۹۹۳؛ جاگین و همکاران، ۱۹۹۰). الگوی مدیریتی فعالیتهای اجرایی در شبکه‌های اجرای سیاست‌ها دربرگیرنده تسهیل مشارکت بین بازیگران بخش دولتی، خصوصی و غیر انتفاعی است که بخش خصوصی حضور بیشتری نسبت به بازیگران دولتی دارد. بنابراین لازمه وجود ساختار شبکه‌ای، توزیع عادلانه قدرت و اختیار رسمی در اجرای وظایف و سیاست‌ها در میان سازمان‌های درگیر است که در یک سر طیف می‌توان قدرت را به طور کامل در اختیار دولت در نظر گرفت و در سر

دیگر می‌توان ساختار را کاملاً شبکه‌ای با توزیع یکنواخت در میان سایر سازمان‌های غیردولتی، غیر انتفاعی، خصوصی و غیره در نظر گرفت (الکساندر، ۱۹۹۵).

فشار برای کاهش حجم فعالیت مستقیم دولت در سیستم‌های اجرا و افزایش امکان همکاری در این سیستم‌ها، در نتیجه دو جنبش اجتماعی که در اواخر قرن بیستم ظهور پیدا کردند ایجاد شده است؛ این دو جنبش عبارتند از تمرکز زدایی و خصوصی‌سازی. دو جنبش اخیر، ریشه‌های فکری رویکردهای شبکه‌ای را در اجرای سیاست‌های عمومی و کاهش مداخله دولت در این زمینه تشکیل می‌دهند.

بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سیاستگذاری عمومی در ایران نیز از دو جنبش اخیر مستثنی نمانده است. بنابراین موفقیت سیاستگذاری عمومی و اجرای آن در ایران مستلزم حاکمیت رویکرد شبکه‌ای در تمامی مراحل سیاستگذاری و در نتیجه اجرای آن است. حال پرسش مطروحه این است که چقدر این رویکرد شبکه‌ای و سیستمی در طراحی و اجرای سیاست‌های عمومی در برنامه‌های توسعه پنج‌ساله تعبیه شده است؟ آیا در این برنامه‌ها قدرت به طور یکنواخت در میان دولت و سایر سازمان‌های غیردولتی، غیر انتفاعی، خصوصی، تعاونی و غیره توزیع شده است؟ برای پاسخ به این پرسش در این پژوهش توزیع یکنواخت قدرت و اختیار و در نتیجه درجه شبکه‌ای بودن شبکه سیاستگذاری در برنامه پنجم توسعه با استفاده از رویکرد "تحلیل شبکه‌های اجتماعی"^۱ مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (اشتریان، ۱۳۸۷).

تحلیل شبکه‌های اجتماعی "از تازه‌ترین تکنیک‌هایی است که در خصوص حل مساله، شناخت روابط، تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت سازمانی مؤثر واقع شده و به تصمیم‌گیرنده، مدیر یا سیاستگذار این امکان را می‌دهد که در این فرآیند مشارکت کامل داشته باشد و نهایتاً بر اساس تجارب و مهارت خود نتایج را تولید نماید. از سوی دیگر شبکه بندی، امکان بررسی و تحلیل ارتباطات میان یک مساله با مسایل مرتبط را نیز میسر می‌سازد (محمدی کنگرانی و شامخی، ۱۳۸۹).

بخش دوم به مرور رهیافت‌های اجرای سیاست و به ویژه رهیافت شبکه‌ای در اجرا پژوهشی می‌پردازد، سپس مبانی رویکرد تحلیل شبکه‌ای را مورد بررسی قرار داده و تحقیقات انجام شده با استفاده از روش تحلیل شبکه‌های اجتماعی در حوزه قدرت و سیاست را اریه می‌کند. بخش سوم به توصیف داده‌های مورد استفاده در پژوهش پرداخته و چگونگی استفاده از روش تحلیل شبکه‌های اجتماعی و بخش چهارم به ارایه یافته‌ها و تحلیل آن‌ها می‌پردازد. نتایج حاصل از پژوهش در بخش پنجم ارایه شده‌اند.

پیشینه پژوهش

اجرای سیاست‌های عمومی و رهیافت شبکه‌ای

ادبیات علمی اجرای سیاست‌های عمومی، یا به تعبیری "اجرا پژوهی"، از تنوع و تکثر زیادی برخوردار است. مطالعه اجرای سیاست‌ها تحت تاثیر دو گرایش عمده تئوریک بوده است که معمولاً پژوهشگران را در این دو گرایش عمده تقسیم‌بندی کرده‌اند. این دو رویکرد عبارتند از گرایش نظری "بالا به پایین" و گرایش "پایین به بالا". الگوی نخست بر این فرض استوار است که تصمیمات سیاستی از بالا اتخاذ و طی نظامی سلسله مراتبی و مدیریتی از سوی سطوح پایین‌تر دستگاه‌های اداری به اجرا در می‌آید اما الگوی دوم بر نقش کارکنان رده پایین و ماهیت غیر سلسله مراتبی اجرای سیاست‌های عمومی تأکید دارد و بر این ادعاست که دستوراتی که از بالا صادر می‌شود، می‌تواند مورد دخل و تصرف قرار گرفته و اساساً ماهیت اجرا از پایین به بالا تاثیرگذاری بیشتری دارد.

یکی از تفاوت‌های اصلی رهیافت از بالا به پایین و پایین به بالا در مفهوم کنترل نهفته است. رهیافت "بالا به پایین" بر کنترل فرایند سیاست‌گذاری از سوی مقامات سیاسی و تقنینی تأکید دارد، در عین حال پاسخ‌گویی فرایند اجرا به مقامات بالادست است. اما رهیافت "پایین به بالا" بر مفهوم دموکراسی تأکید دارد و کنترل را از سوی جامعه و پاسخ‌گویی فرایند اجرا را به مشتریان و مردم می‌داند؛ هر چند که نمی‌توان استفاده از دموکراسی را به انحصار این رهیافت در آورد.

اما بنا به روایت "سوزان بارت" در دهه هشتاد قرن بیستم جریانی در اجرا پژوهی پدید آمد که خود را نسل سوم مدل‌های اجرا می‌نامید. این رهیافت در پی ترکیب عناصری از رهیافت‌های بالا به پایین و پایین به بالا بوده است. در چنین چشم اندازی نقش دولت در اجرای سیاست‌های عمومی هر چه بیشتر کاهش می‌یابد و ارایه خدمات عمومی از مسئولیت‌های دولت خارج و به عرصه عمومی و اختیارات عمومی سپرده می‌شود. اجرای سیاست‌ها غیر سیاسی می‌شود و نقش دولت هر چه بیشتر به سطوح کلان و قواعد کلی محدود می‌گردد. فاصله از رهیافت بالا به پایین و نگاه کنترلی و «مدیریت دولتی» بیشتر و بیشتر می‌شود و نگاه شبکه‌ای، بازاری و غیر دولتی به اجرای سیاست‌های دولتی و ارایه خدمات عمومی حاکم می‌شود.

طرفداران رهیافت شبکه‌ای معتقدند که هر دو نگاه از بالا به پایین و پایین به بالا با تمرکزی که بر بازیگران و سازمان‌ها داشته‌اند نسبت به نگاه سیستمی و کل گرایانه به چارچوب سیستم‌های ارایه خدمات بی‌توجهی کرده‌اند. آن‌ها معتقدند که اجرا اغلب به صورت غیر

مستقیم محقق می‌شود؛ خدمات عمومی اکنون از طریق روابط بغرنج اداری بین سازمان‌های دولتی، غیردولتی و غیرانتفاعی ارایه می‌شود که شبکه‌های سازمانی پیچیده و سه‌گانه را پدید می‌آورد (سالمون، ۱۹۸۹؛ آنتون، ۱۹۸۹؛ کتل، ۱۹۹۳؛ جاگین و همکاران، ۱۹۹۰). در واقع شبکه‌های ارایه برنامه به ویژگی مسلط مدل جدید اجرای سیاست تبدیل شده‌اند (پیتر و پیر، ۱۹۹۸: ۲۲۵).

اما یک شبکه چه ویژگی‌هایی دارد و ابعاد آن چیست؟ شبکه ارایه خدمات عبارتست از ترکیبی از اتصالات اداری در بین شماری از واحدهای سازمان‌های دولتی، خصوصی و غیر انتفاعی که در ازای خدمات عمومی همکاری می‌کنند. ماهیت این اتصالات می‌تواند متفاوت باشد اما در بسیاری از موارد اتصالات و ارتباطات سازمانی گرایش به غیر رسمی بودن دارد. از دهه ۹۰ قرن بیستم بسیاری از پژوهش‌گران بر آزمون موضوعات مرتبط با ساختار سازمانی اتصالات در شبکه‌های اجرا متمرکز شده‌اند. به مثابه راهی برای مورد بحث قرار دادن موضوعات اجراپژوهی، پیشنهاد شده است که ابعاد ساختار شبکه شناسایی شود تا بتوان برنامه‌ها و خدمات ارایه شده را تبیین نمود. شناسایی و فهم ویژگی‌های اتصالات سازمانی باعث می‌شود تا دیوان سالاران بخش عمومی بتوانند این شبکه‌ها را بهتر مدیریت کنند و اجرای سیاست‌ها را بهبود بخشند. بدین‌سان فهم روابط فرآیندهای مدیریتی از طریق ساختار بین سازمانی شبکه‌های اجرا به مثابه یک روش پژوهشی مورد تاکید قرار گرفته است (سالمون، ۱۹۸۹).

برای مثال الکساندر (۱۹۹۵) از تئوری ساختاری برای تبیین متغیرهای تأثیرگذار بر ساختار روابط موجود در شبکه‌ها استفاده کرد؛ هاوالت و رامش (۱۹۹۵) نیز به ارایه چارچوبی برای طبقه‌بندی شبکه‌ها بر اساس ویژگی‌های همکاری‌های میان آن‌ها پرداختند؛ اوتول و میر (۱۹۹۹) نیز به ارایه مدلی ابتکاری از روابط میان شبکه‌ها پرداختند.

اوتول (۱۹۹۷) برنامه‌ای پژوهشی به منظور ارزیابی شبکه‌های سیاستی ارایه داد. وی به منظور شناسایی هر دو نوع مسایل مفهومی و نظری در اجرا، اظهار کرد که ابعاد تعیین‌کننده ساختار شبکه ممکن است به تبیین و تعدیل برنامه و نتایج اجرای خدمات کمک کنند. به عبارتی درک ویژگی‌های ارتباطاتی بین سازمان‌ها ممکن است مجریان عمومی را به مدیریت اثربخش‌تر شبکه‌ها و بهبود اجرای سیاست سوق دهد.

سالمون (۱۹۸۹)، به ارایه یک روش‌شناسی پژوهشی برای درک رابطه مدیریت فرآیند و ساختار روابط میان سازمانی شبکه‌های اجرا پرداخت.

ماهیت کنترل، یا به بیان دیگر، حجم فعالیت مستقیم دولتی در ساختار برنامه ارایه خدمات نشان دهنده استفاده یا عدم استفاده از شبکه است. سیستم‌های اجرا دربردارنده گستره متنوعی

از مکانیسم‌ها و ابزارها برای دسترسی به اهداف سیاستی است. در خصوص فعالیتهای مستقیم دولتی می‌توان اشاره کرد که سطح بالایی از مداخله مستقیم احتمالاً نشان دهنده آن است که اجرا از طریق ساختار پیچیده شبکه‌ای انجام نمی‌شود، بلکه مستقیماً توسط دولت به انجام می‌رسد. از سوی دیگر سطح پایینی از فعالیتهای مستقیم دولتی به معنی ارائه خدمات به صورت غیر مستقیم توسط سیستم‌های پیچیده اجرایی می‌باشد (سالمون، ۱۹۸۹: ۴۴). عرضه فعالیتهای مستقیم دولتی یک معیار کلی مناسب برای بیان پیچیدگی سیستم‌های ارائه خدمات است که سطح تعاملات بین سازمانهای دولتی، خصوصی و غیر انتفاعی را که در ساختار شبکه‌ای همکاری می‌کنند، نشان می‌دهد. هر چه سطح فعالیتهای غیر مستقیم دولتی بیشتر باشد پیچیدگی شبکه اجرا بیشتر است و بنابراین منطقاً نیاز بیشتری برای استراتژی‌های پیچیده مدیریتی وجود خواهد داشت. فشار برای کاهش حجم فعالیت مستقیم دولت در سیستم‌های اجرا و افزایش امکان همکاری در این سیستم‌ها، در نتیجه دو جنبش اجتماعی که در اواخر قرن بیستم ظهور پیدا کردند ایجاد شده است؛ تمرکز زدایی و خصوصی سازی دو جنبشی هستند که ریشه فکری شبکه‌های اجرایی سیاست‌های عمومی و کاهش مداخله دولت در این زمینه را تشکیل می‌دهند. به‌طور کلی، لازمه وجود ساختار شبکه‌ای، توزیع عادلانه قدرت و اختیار رسمی در میان سازمان‌های درگیر است که در یک سر طیف می‌توان قدرت را به‌طور کامل در اختیار دولت در نظر گرفت و در سر دیگر می‌توان ساختار را کاملاً شبکه‌ای با توزیع یکنواخت در میان سایر سازمان‌های غیردولتی، غیر انتفاعی، خصوصی و غیره در نظر گرفت.

رویکرد تحلیل شبکه‌های اجتماعی

از نظر مبانی تئوریک، رویکرد تحلیل شبکه‌های اجتماعی یا رویکرد تحلیل شبکه‌ای برپایه دو تئوری شبکه‌ای و تئوری گراف‌ها قرار دارد؛ تئوری شبکه‌ای یک واژه بسیار عمومی است که به بررسی روابط دلالت دارد. این روابط شامل روابط میان انسان‌ها، جانوران، سازمان‌ها، شرکت‌ها، کشورها، مواد شیمیایی، اتم‌ها و ... می‌باشد. این تئوری شاخه‌ای از ریاضیات کاربردی و اخیراً فیزیک بوده و موضوع آن با تئوری گراف‌ها مشترک می‌باشد (پارخ و همکاران، ۲۰۰۶). مهم‌ترین ویژگی این تئوری این است که تفسیر و تحلیل جزئی بر حسب ویژگی‌های موضوعات مستقل را به تفسیر و تحلیل پدیده‌ها برحسب روابط میان کنش‌گران مستقل یک سیستم تبدیل نموده (بورگاتی، ۲۰۰۵) و کانون توجه را از افراد و ویژگی‌هایشان به جفت افراد و ارتباطات میانشان تغییر داده است. تئوری گراف‌ها نیز چکیده‌ای از جنبه‌های ساختاری مدل بوده و شبکه را در قالب ریاضیات شبیه‌سازی می‌کند (برندز و ارباخ، ۲۰۰۵).

در تحلیل شبکه‌ای، به منظور جمع آوری اطلاعات مورد نیاز، از روش‌های متداول علوم اجتماعی استفاده می‌شود. سپس این داده‌ها در قالب ماتریس وارد نرم افزار UCINET شده و پردازش‌ها و تحلیل‌های داده‌ای بر روی آن‌ها صورت می‌گیرد. برای انجام این پردازش‌ها و تحلیل نیز مفاهیمی در این روش وجود دارد که اساس همه آن‌ها، الگوریتم‌های ریاضی است. از مهم‌ترین این مفاهیم می‌توان مرکزیت، قدرت و گروه‌بندی را نام برد. برای ترسیم داده‌ها نیز از تئوری گراف‌ها و نرم‌افزار *NetDraw* استفاده می‌شود (هننمن، ۲۰۰۱). کاربرد مفهوم مرکزیت در تحلیل شبکه‌ای برای نخستین بار در سال ۱۹۴۸ و توسط باولاس معرفی و پیشنهاد گردید. به اعتقاد وی زمانی که فردی درون شبکه‌ای از روابط محاط می‌شود، قادر به کنترل روابط خود با دیگران و قرار گرفتن در مرکز روابط می‌باشد (فریمن، ۱۹۸۰). به طور کلی، مرکزیت دارای مفهوم گسترده‌ای است که برای شناسایی و تعیین مهم‌ترین کنش‌گران و یا ارتباطات در یک شبکه مورد استفاده قرار می‌گیرد. از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین مرکزیت‌ها عبارتند از درجه و بینابینی. ساده‌ترین نوع مرکزیت، درجه بوده و نشان دهنده تعداد همسایگان هر نقطه می‌باشد؛ هر چه میزان درجه‌ی یک نقطه بیشتر باشد، دسترسی آن به منابع بیشتر بوده و مرکزی تر محسوب می‌شود (هننمن، ۲۰۰۱).

رفسنجانی نژاد، محمدی کنگرانی واشتریان (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی ساختار قدرت در شبکه سیاست‌گذاری و مدیریت آب در برنامه چهارم توسعه ج.ا.ا. و ارایه شبکه بهینه سیاست‌گذاری"، با استفاده از رویکرد تحلیل شبکه‌ای، سیاست‌های توسعه آب را در تهران بررسی نموده و دلایل اصلی شکست این سیاست‌ها را مشخص نمودند؛ توزیع نابرابر قدرت میان سازمان‌های سیاست‌گذار، همکاری نامناسب بین این نقش آفرینان و روابط ناکافی میان آنها دلایل اصلی این عدم موفقیت‌ها بودند.

محمدی کنگرانی و همکاران (۱۳۸۸) ساختار قدرت در شبکه قانونی نهادهای رسمی مربوط به منابع طبیعی در سطوح ملی و استانی (کهگیلویه و بویراحمد) را با "تئوری نهادگرایی جدید" از طریق تحلیل شبکه‌ای بررسی نمودند. ترسیم شبکه و محاسبه مرکزیت بینابینی، مرکزیت درجه، مرکزیت برداری و قدرت بناچیچ نشان داد که رابطه محکمی میان نهادهای هماهنگ کننده و نیز میان آن‌ها و نهادهای اجرایی وجود ندارد.

محمدی کنگرانی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیرات قدرت رسمی و غیررسمی سازمان‌ها در تخصیص بودجه؛ مطالعه حوزه منابع طبیعی در برنامه چهارم توسعه استان کهگیلویه و بویراحمد" به بررسی و تحلیل مقدار تأثیر قدرت‌های رسمی و غیررسمی به عنوان عوامل مؤثر بر تخصیص مقدار بودجه پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که داشتن

ارتباط با کانون اصلی قدرت (استانداردی) بر تخصیص مقدار بودجه موثر بوده و قدرت غیررسمی بیشتر می‌تواند بیش از قدرت رسمی، بر تخصیص بودجه بیشتر موثر باشد. لویس (۲۰۰۶) با در هم آمیختن تحلیل شبکه‌های سیاستی و تحلیل شبکه‌های اجتماعی به بررسی تأثیر قدرت ناشی از موقعیت و قدرت شخصی افراد شاغل در حرفه پزشکی در تعیین سیاست‌ها و استراتژی‌های بهداشت و سلامت ایالت ویکتوریا در استرالیا پرداخت؛ بدین صورت که ابتدا بازیگران کلیدی و تأثیرگذار را شناسایی کرده و سپس میزان تأثیر آنها در سیاستگذاری و مدیریت بهداشت و سلامت را تعیین نمود. نتایج نشان دادند که قدرت اصلی در شبکه‌های سیاستگذاری و مدیریت حوزه بهداشت و سلامت در استرالیا دانشگاهیان و پزشکان بودند؛ کارکنان بانفوذ دانشکده پزشکی و مؤسسات پژوهشی در رده بعدی قرار گرفتند.

روش‌شناسی پژوهش

توصیف داده‌ها

برای تولید داده‌های اولیه، متن قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار گرفت و مشخص گردید که در هرکدام از موضوعات اقتصادی این قانون، سازمان‌ها و نهادهایی مکلف به انجام وظایفی شده‌اند که گاه این وظایف را باید به تنهایی انجام دهند و گاه انجام این وظایف نیاز به همکاری آن‌ها با یکدیگر دارد. قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران شامل ۹ فصل است که فصل پنجم آن مرتبط با موضوعات اقتصادی است. مواد قانونی این فصل تحت ۲۲ موضوع طبقه‌بندی شده‌اند که عناوین این موضوعات و تعداد مواد قانونی هر موضوع در جدول شماره ۱ آمده است. شایان ذکر است که زیاد بودن یا کم بودن تعداد مواد قانونی لزوماً به معنای اهمیت بیشتر یا کمتر موضوع مربوطه نمی‌باشد؛ اما می‌تواند به عنوان یک فاکتور، در تحلیل‌ها مدنظر قرار گیرد.

جدول ۱- جدول موضوعات فصل اقتصادی قانون برنامه پنجم

تعداد مواد قانونی	موضوع	تعداد مواد قانونی	موضوع	تعداد مواد قانونی	موضوع
۵	انرژی پاک	۱۰	تجارت	۱	مناطق آزاد
۱۰	بهبود فضای کسب و کار	۲	کاهش وابستگی به نفت	۲	بازار سرمایه
				۴	بیمه بازرگانی
۶	حمل و نقل	۵	اصلاح نظام مالیاتی	۱	وقف
۱۰	مسکن	۸	نفت و گاز	۱	بهره وری
۱۱	صنعت معدن	۱	توسعه تعاون	۲	برق
۱۳	پول و بانک	۳	منابع آب	۱	اشتغال
۷	کشاورزی	۵	ارز	۱	سرمایه گذاری خارجی

در مجموع این ۲۲ موضوع، نام ۸۰ وزارتخانه، سازمان، تشکل یا نهاد آمده است. که نام آنها در جدول شماره ۲ زیر آمده است:

جدول ۲- نام دستگاهها و نهادهای درگیر و مکلف در موضوعات اقتصادی قانون برنامه پنجم

نام سازمان/ نهاد	نام سازمان/ نهاد	نام سازمان/ نهاد	نام سازمان/ نهاد
سازمان مناطق آزاد	سازمان راهداری	بانکهای تجاری و تخصصی	شرکت های بیمه
سازمان ملی بهره وری	وزارت راه و ترابری	شرکت های دولتی	قوه قضاییه
سازمان بورس	شرکت های حمل و نقل جاده ای	رئیس جمهور	مجلس
سازمان خصوصی سازی	مرکز آمار ایران	سازمان نظام مهندسی کشاورزی	بخش غیردولتی
سازمان انرژی اتمی	وزارت بهداشت و درمان	سازمان نظام دامپزشکی	وزارت صنایع و معادن
وزارت کشور	سازمان بنادر و دریانوردی	سازمان جنگلها و مراتع	وزارت نیرو

وزارت امور خارجه	شورای عالی شهرسازی و معماری	شرکت راه آهن	اتاق بازرگانی
واحدهای تولیدی	دهیاری‌ها	مجربان دولتی	اتاق تعاون
واحدهای دامداری	شورای اسلامی شهروروستا	بیمه مرکزی ایران	وزارت نفت
نهادهای عمومی غیردولتی	وزارت علوم	شهرداری تهران	شهرداری‌ها
شرکت توانیر	سازمان اوقاف	بانک مرکزی	سازمان ثبت اسناد
شرکت‌های وابسته وزارت نیرو	عرضه کنندگان کالا	دادستان کل کشور	شورای اقتصاد
شبکه بانکی کشور	تشکل‌های دولتی	وزارت مسکن و شهرسازی	وزارت امور اقتصادی و دارایی
شورای پول و اعتبار	تشکل‌های مردمی	سازمان حفاظت محیط زیست	وزارت بازرگانی
نهادهای عمومی	سازمان میراث فرهنگی	گمرک	وزارت جهاد کشاورزی
مراکز دولتی	صادر کنندگان	وزارت تعاون	بخش خصوصی
معاونت برنامه ریزی استان	ستاد اجرای فرمان امام	سازمان امور مالیاتی	بخش تعاونی
فرمانداران شهرستان‌ها	سازمان اموال تملیکی	وزارت کار و امور اجتماعی	معاونت راهبردی
اداره کل محیط زیست استان	سازمان هواپیمایی کشور	نیروی انتظامی	دستگاه‌های اجرایی
اداره کل امور مالیاتی استان	شرکت هواپیمایی ایران	شورای اصناف	دولت

بررسی جدول فوق، چند نکته مهم را آشکار می‌سازد:

- ۱- ذکر نام ۸۰ دستگاه و نهاد ذیل ۲۲ موضوع اقتصادی و مکلف نمودن آن‌ها در قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند نشان دهنده توجه به رهیافت شبکه‌ای و لزوم حضور دستگاه‌ها و نهادهای مختلف

دولتی، خصوصی و تعاونی در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی کشور باشد. همچنین موظف نمودن این دستگاه‌ها و نهادها به همکاری با یکدیگر در موضوعات اقتصادی مختلف و مکلف بودن برخی از آنها در چندین موضوع، می‌تواند از یک‌سو بیان‌کننده تخصصی بودن وظایف و از سوی دیگر حاکی از اعتقاد به فرابخشی بودن برخی موضوعات و نتیجتاً دستگاه‌ها و نهادهای موظف شده در آنها باشد که البته نتیجه‌گیری نهایی منوط به ترسیم و تحلیل شبکه‌های مربوطه است.

۲- علی‌رغم ذکر نام این تعداد دستگاه و نهاد و اعتقاد برنامه‌ریزان و سیاستگذاران به نقش داشتن این دستگاه‌ها و نهادها در موضوعات اقتصادی کشور، باز هم نام‌های نامشخص و کلانی چون "دولت" و "دستگاه‌های اجرایی" در متن قانون برنامه به وفور به چشم می‌خورد که تشخیص جایگاه و قدرت آنها در شبکه همکاری‌های قانونی، منوط به ترسیم شبکه و تحلیل آن با شاخص‌های مربوطه است. اما مسلماً ذکر متعدد نام دولت و دستگاه‌های اجرایی در فصل اقتصادی قانون برنامه پنجم، علی‌رغم تلاش‌های دولت در راستای کاهش بدنه و حاکمیت دولت، می‌تواند موجب ایجاد اختلال در هماهنگی‌های سازمانی شود.

۳- در موضوعات مختلف از ادبیات متفاوتی برای بیان نهادها استفاده شده است که عمده‌اً یا سهواً درخصوص آنها یکسان‌سازی صورت نگرفته است؛ به عنوان نمونه می‌توان به "بخش خصوصی"، "بخش تعاونی" و "بخش غیردولتی" اشاره نمود و یا "نهادهای عمومی"، "نهادهای عمومی غیردولتی" و "تشکل‌های مردمی" و یا "مراکز دولتی"، "شرکت‌های دولتی" و "مجریان دولتی". این عدم یکسان‌سازی و در عین حال عدم شفافیت می‌تواند منجر به بروز ناهماهنگی‌هایی در انجام وظایف و در نتیجه در ارتباطات و همکاری‌های میان سازمان‌ها شود.

۴- ذکر نام نهادهایی چون بخش خصوصی و تعاونی و نیز تشکل‌های مردمی در مواد قانونی در کنار نام وزارتخانه‌ها و سازمان‌های قدرتمندی چون وزارت نفت، وزارت نیرو و وزارت جهاد کشاورزی می‌تواند نشان‌دهنده اعتقاد برنامه‌ریزان و قانونگذاران به نقش این نهادها در اقتصاد کشور باشد که خود نقطه قوت این قانون محسوب می‌شود. اما باز هم عدم شفافیت این عبارات و گاهاً هم معنایی آنها با هم می‌تواند ایجاد هماهنگی را با مشکل مواجه سازد؛ چرا که این عدم شفافیت می‌تواند منجر به دوباره‌کاری‌ها و موازی‌کاری‌ها شده و هماهنگی میان آنها را کاهش دهد. همچنین این کاهش هماهنگی می‌تواند منجر به افزایش قدرت برخی بخش‌ها مانند بخش

خصوصی و بالتبع کاهش قدرت سایرین (تشکل‌های مردمی و بخش تعاونی به دلیل دسترسی به منابع کمتر) شود.

استفاده از رویکرد تحلیل شبکه‌های اجتماعی در پژوهش حاضر

جدول ۱ و ۲، مبنای تولید اولیه داده‌ها قرار گرفتند؛ بدین صورت که ماتریسی دوجویی تشکیل گردید که سطرهای آن، سازمان‌ها و نهادهای مکلف شده و ستون‌های آن، موضوعات قرار گرفتند. سپس تعداد دفعات مکلف یا موظف شدن سازمان‌ها و نهادها در هر موضوع، شمارش شد و عدد آن در سلول ماتریس مربوطه ثبت گردید. براین اساس، ماتریس دوجویی سازمان-موضوع به دست آمد که ارزش سلول‌های آن نشان‌دهنده تعداد دفعات مکلف یا موظف شدن یک سازمان یا نهاد در هر موضوع بود. ارزش صفر نیز برای عدم وجود تکلیف یا وظیفه قانونی منظور شد. سپس نمایش اولیه و نمایش دایره‌ای مرکزیت درجه این ماتریس ترسیم گردید تا مشخص شود اولاً وضعیت ارتباطات در این شبکه به چه صورت بوده و کدام سازمان‌ها و موضوعات فاقد ارتباط با سایرین هستند. همچنین از نمایش دایره‌ای مرکزیت درجه برای مشخص شدن سازمان‌ها و موضوعاتی که دارای بیشترین ارتباطات مستقیم هستند، استفاده شد تا مشخص گردد فضای حاکم بر فصل اقتصادی قانون برنامه پنجم در قالب رویکرد شبکه‌ای است یا سلسله مراتبی.

یافته‌های پژوهش

شکل شماره ۱ نمایش اولیه شبکه سازمان-موضوع را نشان می‌دهد که با نرم افزار *Visone* ترسیم شده است. در این شبکه، دایره نشان دهنده سازمان‌ها و نهادها و مربع‌ها نمایانگر موضوعات هستند. خطوط ارتباطی میان این دو نیز نشان دهنده مکلف یا موظف بودن سازمان یا نهاد مربوطه در موضوع مورد نظر می‌باشد. براین اساس مشاهده می‌شود که فقط موضوع منطقه آزاد که در آن تنها سازمان منطقه آزاد مکلف شده است، به صورت ایزوله و جدا از سایرین قرار گرفته است که این امر به دلیل جایگزین شدن سازمان منطقه آزاد به جای کلیه دستگاه‌های اجرایی در مناطق آزاد کشور است. در واقع براساس قانون برنامه پنجم، قدرت و کلیه اختیارات دستگاه‌ها و سازمان‌های مستقر در مناطق آزاد به سازمان منطقه آزاد واگذار شده است که این خود، نیاز به تحلیل داشته و اعتراض بسیاری از سازمان‌ها و دستگاه‌ها را در پی داشته است. اما از منظر این پژوهش، جدا افتادن این موضوع و سازمان و نداشتن ارتباط با سایر موضوعات و سازمان‌ها، هماهنگ بودن این سازمان را با سایرین تا حد بسیاری کاهش داده و سبب می‌شود که سازمان منطقه آزاد با دارا بودن قدرت و جایگاه بالایی که قانون به آن

براین اساس، جدول شماره ۳ تعداد ارتباطات دارای ارزش‌های مختلف را نشان می‌دهد که در آن، بیشترین ارتباطات (۱۱۳ عدد) دارای ارزش ۱ هستند، یعنی ۱۱۳ بار دستگاه‌ها یا نهادها در موضوعات مختلف مکلف یا موظف به انجام تنها یک تکلیف یا وظیفه قانونی شده‌اند. تکرار دو دفعه نام دستگاه یا نهاد در یک موضوع در ۳۰ عدد از ارتباطات وجود دارد. اما نکته مهم‌تر اینست که برخی دستگاه‌ها یا نهادها بیش از ده بار در یک موضوع، مکلف به انجام وظیفه شده‌اند که این امر درخصوص دستگاه‌هایی که مسئولیت اصلی وظیفه‌ای را برعهده دارند مانند وزارت نیرو در موضوع "منابع آب" (۱۰ بار) و یا وزارت نفت در موضوع "نفت و گاز" (۱۴ بار) مسأله‌ای دور از انتظار نیست.

نکته مهم دیگری که از این جدول استنباط می‌شود، این است که وجود این تعداد ارتباط میان سازمان‌ها و موضوعات می‌تواند نشان‌دهنده وجود هماهنگی میان آن‌ها باشد که البته برای نتیجه‌گیری نهایی نیاز به ترسیم و تحلیل شبکه‌های ارتباطی است. اما آنچه مسلم است اینست که وجود ارتباط می‌تواند منجر به ایجاد هماهنگی شود.

جدول ۳- جدول تعداد ارتباطات با ارزش‌های مختلف در شبکه سازمان- موضوع

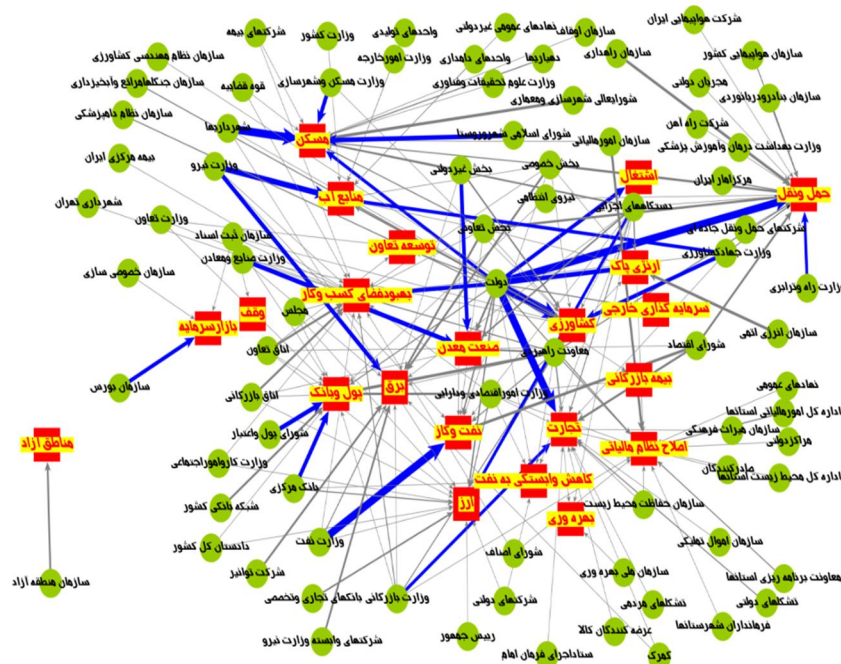
تعداد	ارزش ارتباط	تعداد	ارزش ارتباط	تعداد	ارزش ارتباط
۱	۱۰	۶	۵	۱۱۳	۱
۱	۱۳	۵	۶	۳۰	۲
۳	۱۴	۴	۷	۸	۳
۱	۱۵	۸	۸	۱۴	۴

شکل شماره ۲ شدت ارتباطات دستگاه‌ها و نهادها در موضوعات مختلف را نشان می‌دهد که در آن دواير نشان‌دهنده دستگاه‌ها و نهادها و مربع‌ها نمایانگر موضوعات هستند. ضخامت خطوط حاکی از شدت ارتباطات بوده و ارتباطات با ارزش بیش از پنج با رنگ آبی نشان داده شده‌اند. براین اساس، مشاهده می‌شود که بیشترین وظیفه قانونی (ارتباطات) مربوط به دولت و موضوع تجارت است. دولت همچنین به ترتیب در موضوعات کشاورزی، حمل و نقل، انرژی پاک، اشتغال، بهبود فضای کسب و کار و مسکن دارای بیش از پنج وظیفه است. دارا بودن وظایف و ارتباطات زیاد توسط دولت، جایگاه و قدرت آن را افزایش می‌دهد. اما این‌که در تدوین این سند به این نقش دولت توجه شده است یا خیر و نیز تعداد زیاد ارتباطات این نهاد در راستای نقش هماهنگ‌کنندگی آن بوده است یا خیر، نکته‌ای است که با ارزیابی‌های حین و پس از اجرای قانون برنامه پنجم مشخص خواهد شد. از سوی دیگر، وجود دولت به عنوان قدرت برتر با بیشترین ارتباطات، با تفکر حاکم بر رویکرد شبکه‌ای که در آن قدرت سلسله

مراتبی وجود ندارد، هم‌خوانی ندارد. همچنین در این رویکرد، باید نقش دولت در اجرای سیاست‌های عمومی هر چه بیشتر کاهش یابد. حال آن‌که وضعیت کلی نقاط و ارتباطات در این فصل از قانون برنامه پنجم، تداعی کننده یک شبکه ارتباطی است اما یکی از اصول مهم حاکم بر آن یعنی تفویض اختیارات و نقش هماهنگ کنندگی دولت به سایر بخش‌ها را نقض می‌کند.

نکته دیگری که از این شکل برداشت می‌شود، وظایف فراوان "دستگاه‌های اجرایی" در موضوع ارز است که می‌تواند به عنوان نکته‌ای منفی تلقی شود؛ چرا که تفویض وظایف فراوان عبارت عامی چون "دستگاه‌های اجرایی" علی‌رغم ذکر نام ۸۰ دستگاه و نهاد و موظف نمودن آن‌ها در موضوعات مختلف اقتصادی، مغایر با این تلاش در راستای شفاف نمودن وظایف و افزایش هماهنگی میان آن‌ها است. براین اساس، این عدم شفاف‌سازی می‌تواند بر هماهنگی میان دستگاه‌ها و نهادهای مسئول تاثیرگذار بوده و بر آشفتگی بازار ارز در کشور تاثیر منفی داشته باشد.

اما از نقاط قوت این شبکه می‌توان به وظایف فراوان شهرداری‌ها و شورای اسلامی شهر و روستا در موضوع مسکن و نیز بخش غیردولتی در موضوع صنعت و معدن اشاره کرد که می‌تواند نشان دهنده توجه ویژه این برنامه به نهادهای مردمی و غیردولتی باشد. این وضعیت می‌تواند تلاشی در راستای تفویض وظایف به بخش‌های غیردولتی و کاهش دخالت مستقیم دولت باشد. اما ابهام مهم دیگر، ذکر نام "بخش غیردولتی" و عدم شفاف‌سازی مفهوم آن است؛ در واقع در متن قانون مشخص نشده است که منظور از بخش غیردولتی که تکالیف و وظایفی قانونی در موضوع صنعت و معدن به آن واگذار شده است، کدام بخش‌ها است. در حال آن‌که در موضوعات دیگر از بخش خصوصی، بخش تعاونی و نهادهای مردمی نام برده شده است. اما در بخش صنعت و معدن تنها به ذکر نام "بخش غیردولتی" بسنده شده است. این عدم شفافیت می‌تواند ایجاد هماهنگی میان این نهادها را با مشکل مواجه ساخته و گاهاً به دلیل تداخل وظایف شان با یکدیگر، از عملکردشان کاسته و منجر به افزایش دخالت دولت شود.

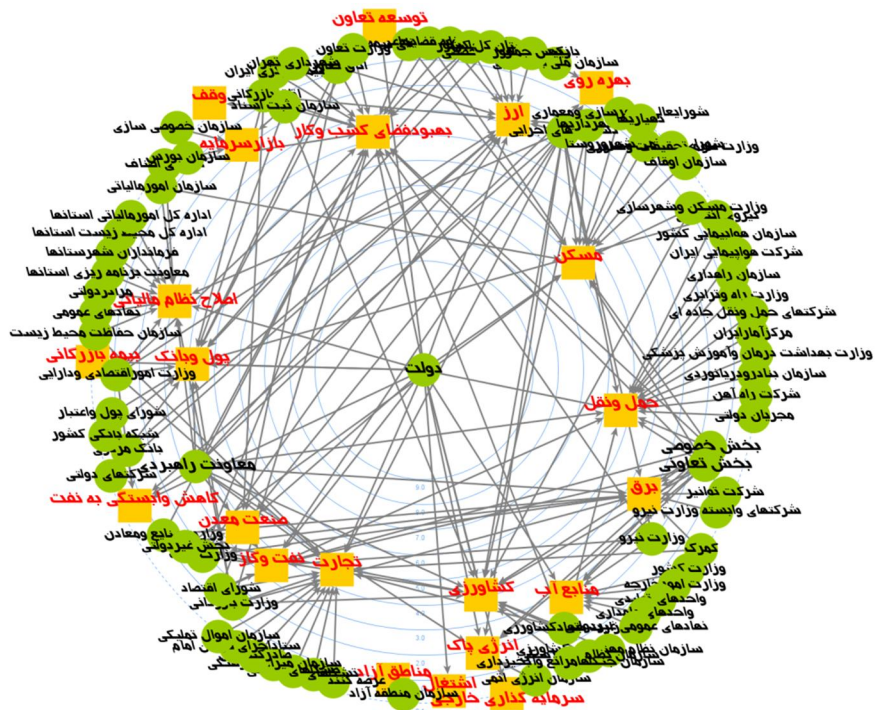


شکل ۲- شدت ارتباطات دستگاه‌ها و نهادها در موضوعات مختلف در شبکه سازمان-موضوع.

محاسبه مرکزیت درجه

به منظور تکمیل تحلیل‌ها، شاخص مرکزیت درجه نیز برای ماتریس سازمان-موضوع محاسبه شد که نتایج آن در شکل شماره ۳ آمده است. براین اساس هرچه سازمان یا نهادی به مرکز دایره نزدیک تر باشد، دارای مرکزیت درجه بیشتری است. مشاهده می‌شود که دولت دارای بیشترین مرکزیت درجه و در نتیجه بیشترین ارتباطات مستقیم با سایر سازمان‌ها و نهادها در موضوعات اقتصادی است. معاونت راهبردی رییس جمهور نیز در جایگاه بعدی قرار گرفته است که با توجه به انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و اعتقاد به کارایی ناکافی آن از سوی برنامه‌ریزان کشور، به نظر می‌رسد این دستگاه هم‌چنان یکی از دستگاه‌های تاثیرگذار و مطرح در موضوعات اقتصادی در کشور است که البته این وضعیت درخصوص سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نیز صادق بود. دستگاه‌های اجرایی، بخش خصوصی، بخش تعاونی، وزارت نیرو و وزارت جهاد کشاورزی در جایگاه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. سایر سازمان‌ها و نهادها در وضعیت کمابیش مشابهی قرار گرفته‌اند؛ اگرچه تفاوت‌هایی میان مرکزیت‌های درجه آن‌ها وجود دارد. با بنابرین، مشاهده می‌شود که علیرغم درگیر شدن ۸۰ سازمان و نهاد در موضوعات اقتصادی برنامه پنجم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور

و تلاش در راستای رویکرد شبکه‌ای، هم‌چنان دولت بیشترین ارتباطات مستقیم رسمی-قانونی را داشته و قطعاً هماهنگ کننده اصلی این شبکه خواهد بود. هم‌چنین وجود تفاوت در میزان این مرکزیت برخی از سازمان‌ها و نهادها با سایرین که در شکل نیز مشهود است، رویکرد بالا به پایین و سلسله مراتبی را متبادر می‌سازد. نکته دیگر این‌که دولت با دارا بودن بیشترین مرکزیت درجه، بیشترین قدرت را نیز به خود اختصاص داده است که در صورت اعمال مدیریت صحیح از سوی دولت، هماهنگی بخوبی میان سازمان‌ها و نهادها به وجود آمده و وظایف سازمانی بخوبی و بدون دوباره کاری و موازی کاری انجام خواهد شد. معاونت راهبردی رییس جمهور، بخش خصوصی، بخش تعاونی و وزارتخانه‌های نیرو و جهاد کشاورزی نیز به دلیل برخورداری از جایگاه و قدرت بالا می‌توانند دولت را در این امر یاری رسانند. اما ایجاد هماهنگی میان این سازمان‌ها و نهادهای قدرتمند نیز وظیفه دیگری است که برعهده دولت می‌باشد. از سوی دیگر، مرکزیت درجه و قدرت بالای "دستگاه‌های اجرایی" و ابهام موجود در این عبارت، می‌تواند ایجاد هماهنگی را با مشکلاتی مواجه سازد؛ چرا که این عبارت قدرت بالایی را در این شبکه به خود اختصاص داده است. در نهایت، قضاوت نهایی با ارزیابی‌های حین و پس از اجرا مشخص خواهد شد.



شکل ۳- نمایش دایره‌ای مرکزیت درجه شبکه سازمان-موضوع برای موضوعات اقتصادی.

توصیه‌های سیاستی

جمع‌بندی یافته‌ها و نتایج نشان می‌دهد که قدرت و جایگاه رسمی - قانونی سازمان‌ها و نهادها در موضوعات اقتصادی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران یکسان نبوده و آنها به واسطه دارا بودن ارتباطات رسمی - قانونی بیشتر، جایگاه و قدرت متفاوتی پیدا کرده اند. با توجه به اینکه توزیع قدرت در میان سازمان‌ها و نهادها در موضوعات اقتصادی قانون برنامه پنجم یکسان نیست، به نظر می‌رسد که رویکردی بالا به پایین بر آن حاکم است. از سوی دیگر، تعدد ارتباطات رسمی - قانونی میان سازمان‌ها و نهادها آن را به سمت رویکرد شبکه‌ای سوق می‌دهد. بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که برنامه‌ریزان و سیاستگذاران در طراحی و تدوین موضوعات اقتصادی قانون برنامه پنجم، در راستای طراحی یک الگوی شبکه‌ای تلاش نموده‌اند و به موفقیت‌هایی نیز در این زمینه نایل آمده‌اند. اما تا اجرای کامل یک ساختار شبکه‌ای هنوز راه زیادی مانده است که نیل به آن، از یک سو متکی به برنامه‌ریزی و سیاستگذاری صحیح و از سوی دیگر، وابسته به عملکرد سازمانی صحیح سازمان‌ها و نهادها می‌باشد.

درخصوص سازمان‌ها و نهادهای مهم تر از منظر قدرت رسمی - قانونی، بررسی نتایج محاسبه مرکزیت درجه نشان می‌دهد که دولت همواره قدرت بلامنازع در موضوعات اقتصادی قانون برنامه پنجم است که در صورت انجام صحیح وظایف، می‌تواند نقش بسیاری در ایجاد یک ساختار شبکه‌ای ایفا نماید. اما این که دولت، خود، قدرت اصلی و مرکزی در این موضوعات است، جای بحث بوده و مغایر با تلاش‌های برنامه‌ریزان و سیاستگذاران کشور در راستای کاهش بدنه دولت و حرکت به سمت ساختار شبکه‌ای است.

جمع‌بندی مهم دیگری که از بررسی یافته‌ها حاصل می‌شود، جایگاه و قدرت رسمی - قانونی مناسب نهادهای غیردولتی از جمله بخش تعاونی در ارتباطات میان سازمانی است که نشان دهنده توجه ویژه برنامه‌ریزان و سیاستگذاران به ضرورت درگیر شدن کلیه ذی‌نفعان اعم از دولتی و غیردولتی در اجرای سیاست‌هاست. اما این وضعیت نیاز به قدرت بیشتر این نهادها در ارتباطات میان سازمانی دارد. با توجه به این که این گونه نهادها در مقایسه با نهادهای دولتی و خصوصی، دسترسی اندکی به منابع دارند، بنابراین قدرت آنها نه به واسطه منابع در اختیار، بلکه به پشتوانه حمایت‌های مردمی است. اما به طور کلی، حضور پررنگ آنها در این قانون نسبت به قوانین گذشته، یکی از نقاط قوت اصلی این قانون بوده و نشان دهنده تلاش در راستای کاهش بدنه دولت و دخالت‌های مستقیم آن در اجراست.

در نهایت نتایج حاصل از این پژوهش ضرورت توجه بیشتر به توزیع شبکه‌ای روابط بین نهادها و سازمان‌ها در تدوین برنامه‌های توسعه در آینده را نشان می‌دهد.

منابع

الف) فارسی

- ۱- اشترینان، ک. (۱۳۸۷)، اجرا پژوهی، چالش‌های اجرای سیاستگذاری عمومی در ایران.
- ۲- رفسنجانی نژاد، س.، محمدی کنگرانی، ح. (۱۳۹۴)، بررسی ساختار قدرت در شبکه سیاستگذاری و مدیریت آب در برنامه چهارم توسعه ج.ا.ا. و آرایه شبکه بهینه سیاستگذاری، سیاستگذاری عمومی، ۱ (۳)، ۱۲۱-۱۳۸.

ب) انگلیسی

- 3- Alexander, E. R. (1995). *How Organizations Act Together: Interorganizational Coordination in Theory and Practice*. Amsterdam: Overseas: Publishing Association.
- 4- Anton, T. J. (1989). *American Federalism and Public Policy: How the System Works*. Philadelphia: Temple University Press.
- 5- Betts, S.C. & M.D. Stouder. (2004). *The network perspective in organization studies: network organizations or network analysis?* *Academy of Strategic Management Journal*, 3: 1-20.
- 6- Borgatti, S. (2005). *Centrality and Network Flow*. *Social Networks*, 27: 55-71.
- 7- Brandes, U. & Erlebach, Th. (2005). *Network analysis- Methodological foundations*. Berlin: Springer-Verlag.
- 8- Freeman, L.C., (1980). *The gatekeepers, pair dependency and structural centrality*, *Journal of Quality and Quantity*, 14: 585-592.
- 9- Goggin, M. L., Bowman, A. O., Lester, J.P. & O'Toole, L. J. (1990). *Implementation Theory and Practice: Toward a Third Generation*. New York: HarperCollins.
- 10- Hicks, H. G., Gullett, C. R. (1977). *Organizations: Theory and Behaviour (Management)*. Translated by Goel kahen, Tehran: Agah publisher. (in Persian).
- 11- Howlett, M. & Ramesh, M. (1995). *Studying Public Policy: Policy Cycles and Policy Subsystems*. Toronto: Oxford University Press.
- 12- Kettl, D. F. (1993). *Sharing Power: Public Governance and Private Markets*. Washington, D.C.: Brookings.
- 13- Lewis, M.J. (2006). *Being around and knowing the players: networks of influence in health policy*. *Social Science & Medicine*, 62: 2125-2136.
- 14- Mohammadi Kangarani, H., Shamekhi, T., Ashtarian, K., Arab, D. & Nook, D. (2009). *Investigation of policy structure in legal authorities of institutions related to natural resources through network analysis of institutional relations (Case study: Kohgiloye va Boyerahmad Province)*. *Iranian Journal of Natural Resources*, 62 (2): 203-229. (in Persian).
- 15- Mohammadi Kangarani, H., Shamekhi, T. & Ashtarian, K. (2010). *Investigation of the effects of formal and informal lobbying of organizations on budget allocation, study of natural resources field in 4th development plan of Kohgiloye and Boyerahmad Province*. *Iranian Journal of Forest*, 2(4): 331-343. (in Persian).
- 16- O'Toole, L. J. Jr (1997). *Treating Networks Seriously: Practical and Research-Based Agendas in Public Administration*. *Public Administration Review*, 57(1): 45-52.
- 17- O'Toole, L. J. Jr., Meier, K. J. (1999). *Modeling the Impact of Public Management: Implications of Structural Context*, *Journal of Public Administration Research and Theory*, 9: 505-26.
- 18- Parkhe, A., Wasserman S. & Ralson, D.A., (2006). *New Frontiers in Network Theory Development*. *The Academy of Management Review*, 31 (3): 560-568.
- 19- Peters, B. G. & Pierre, J. (1998). *Governance without Government? Rethinking Public Administration*. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 8(2): 223-43.
- 20- Salamon, L. & Lund, S.L. (1989). *Beyond Privatization The Tools of Government Action*, Washington D.C.: Urban Institute.